

## سه نگاه به مشروطیت

حسن امین

در تبیین علل انقلاب مشروطیت سه بینش وجود دارد: نگاه نخست مشروطیت را برخاسته از مناسبات اقتصادی و ظهور طبقه‌ی بورژوازی (با تکیه بر نقش بازرگانان و منافع ایشان در تقابل با بیگانگان) می‌داند و نگاه دوم، مشروطیت را نتیجه‌ی مستقیم بیدارگری و فرهنگ نقد از سوی روشنفکران، مطبوعاتیان و روحانیون می‌شناسد. نگاه سوم، اقلیتی از تاریخ‌دانان و وقایع‌نگاران ایرانی، مشروطیت را ساخته و پرداخته‌ی انگلیسی‌ها و محصول تقابل سیاست روز و انگلیس معرفی کرده‌اند. برای نمونه، دکتر قاسم غنی در جلد یازدهم یادداشت‌های خود، ضمن بحث از ناصرالملک قراقرز، انقلاب مشروطیت را به کلی تخطئه کرده و نوشته است:

«مشروطه‌ی ایران و انقلاب ملت غیرمستعد به‌دست انگلیزها، و به تحریک آن‌ها، بود برای خنثی کردن نفوذ عجیب و غریب روسیه‌ی تزاری... قزاق‌ها نزد شاه و ولیعهد... به‌حدی... صحنه‌ی سیاست ایران را به‌دست روس‌ها داده بود که ولات ایالات، حکم نوکر و پیشکار و معاون فلان قونسول روس... را داشتند... این عوامل، اسباب شد که سلطنت مشروطه را روی کار بیاورند و سلطه‌ی سلاطین قاجار را محدود سازند. ناصرالملک از بازیگران این صحنه بود. محمدعلی‌شاه که مشروطه‌طلبان را موقتاً متواری ساخته، ناصرالملک را محبوس ساخت. فوراً انگلیزها به حمایت او قیام کردند که این مرد، نشان و امتیاز بریتانیا دارد و تحت‌الحمایه محسوب است. او را رها ساخته و به فرنگ بردند...»<sup>۱</sup>.

وقایع‌نگاران عصر مشروطه نیز از همراهی انگلیس با مشروطه‌خواهان بویژه از تحصن مشروطه‌خواهان در سفارت‌خانه‌ی انگلیس به‌شرح سخن گفته‌اند و بعضی تأکید کرده‌اند که تحصن‌کنندگان در آغاز، فقط طالب «عدالت‌خانه» بودند و کنسول انگلیس، عبارت و لغت «مشروطه» را در ذهن آن‌ها گذاشت و به ایشان آموخت که داشتن «عدالت‌خانه» و «دادگاه» خوب در یک جامعه، فرع بر داشتن «مصلحت‌خانه» و «پارلمان» برای محدود و مشروطه‌کردن حاکمیت استبدادی است.

علل و عوامل اسباب پیشرفت مشروطه هرچه بوده باشد، در اهمیت تاریخی و تحولات عظیم ناشی از آن شک و شبهه‌ی نیست.<sup>۲</sup> چنان‌که خود دکتر غنی هم، به‌رغم آن‌که پایه و اساس مشروطیت را تحریک انگلیسی‌ها می‌داند، قانون اساسی مشروطیت را محترم می‌شمرد. یعنی اولاً، اصل فرمان مشروطیت را که در اوج اقتدار رضاشاه پهلوی در ۱۳۱۴ ظاهر از عین خاقان گرفته بود، برای آن‌که از خطر گم و گورشدن در امان بماند به نسل‌های بعدی برسد، به پسر علی‌اکبر داور (وزیر دارایی وقت) سپرد. ثانیاً، خودش از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۲ در سمت نماینده‌ی مجلس مشروطه از مشهد به خدمت پرداخت. ثالثاً، نسبت به تشکیل موسسان برای اصلاح قانون اساسی در جهت دادن حق و تو به شاه در مقابل مجلس، در اردیبهشت ۱۳۲۸ هشدار داد و حفظ قداست قانون اساسی را واجب شمرد، رابعاً، در اردیبهشت ۱۳۲۹ نامه‌ی به وزیر امور خارجه (حسین علاء) نوشت و در این نامه از مردم‌سالاری، تحزب، وکالت راهکارهای اصلاح انتخابات، حکومت ملی حمایت کرد. تاریخ نگارش این نامه‌ی مفصل، اول اردیبهشت ۱۳۳۹ بوده و تاریخ چاپ اول آن در مجله‌ی یغما ۱۳۳۱ و تاریخ تجدید چاپ آن به‌شکل رساله‌ی مستقل با عنوان **بختی در سیاست** ۱۳۳۴ بوده و بعدها هم در مجلد دهم یادداشت‌های دکتر غنی (چاپ لندن) تجدید چاپ شده است. ماه گذشته آقای نادر مطلبی کاشانی سردبیر فصلنامه‌ی **بهارستان**، به‌دلیل نسخه‌ی ماشین‌شده‌ی این نامه که توسط فریدون صالح فرزند مرحوم اللهیار صالح به استاد ایرج افشار داده شده است، به من تلفن فرمودند و مژده دادند که استاد افشار در این زمینه مقاله‌ی منتشر خواهند کرد و به‌همین دلیل عکس دکتر غنی را از من خواستند که تقدیم داشتم. باری عمده‌ترین اظهارنظر دکتر غنی در این نامه راجع به مشروطیت این است: «بعد از تقریباً نصف قرن مشروطیت، هنوز احزاب سیاسی در مملکت ایران وجود ندارد که دولت، متکی به اکثریت غیرمتزلزل پارلمانی باشد... در اوایل مشروطیت با آن‌که وسایل تبلیغات مانند امروز در دسترس نبوده، به‌وسیله‌ی کنفرانس‌ها، مقالات و انجمن‌های متعدد، اصول مشروطیت و حقوق افراد و جامعه و مسائل اساسی حکومت ملی تبلیغ می‌شد... حزب دمکرات و اعتدال صدر مشروطیت پیشوایان و روسای فهمیده و جدی و صادقی داشت و اقلیت و اکثریت پارلمانی تابع یک نوع اصولی بود... امروز نوعاً مردم از مشروطیت و آن‌چه حکومت ملی نامیده می‌شود، دلسرد شده‌اند»<sup>۳</sup>.

**منابع:** ۱- غنی، قاسم، یادداشت‌ها، چاپ سیروس غنی، لندن، جلد یازدهم، صص ۸۸-۹۰. ۲- امین، حسن، کارنامه‌ی غنی: تحولات عصر پهلوی، انتشارات دایرةالمعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۳. ۳- غنی، همان‌جا، جلد دهم، صص ۹۰-۹۲.

پایان رسید. شیخ مهدی شریف یکی از روحانیون صاحب‌نظر در تاریخ مفصل خود نوشته است: «مظفرالدین‌شاه دست‌خط عدالت‌خانه و مشروطیت را در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ صادر نمودند. پانزدهم جمادی‌الثانی به‌توسط میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک در سفارت انگلیس در حضور متحصنین قرائت گردید. بعد از قرائت دست‌خط یک ثلث از مردم با کمال دعاگویی و تشکر و با اجازه از اولیای سفارت عودت به منازل خود کردند... روز ۲۴ جمادی‌الثانیه آقایان با کمال احترام و تجلیل وارد شهر گردیدند. چون متحصنین در سفارت بعد از صدور دست‌خط ملوکانه و خواندن در سفارت یک ثلث هم امروز که روز ورود آقایان است، خارج شده بودند...» روز پنج‌شنبه ۲۵ طرف عصر آقای آقا سید عبدالله و آقای طباطبایی رفتند دم سفارت‌خانه. در قراول‌خانه که نزدیک سفارت‌خانه بود... جلوس فرمودند. متحصنین آمدند نزد آقایان. پس از مذاکرات بسیار، آقایان، مردم را راضی نموده و بیرون آوردند: «روز بعد از طرف مشیرالدوله صدر اعظم حکمی به‌عنوان محقق‌السلطنه صادر شد که طی آن دستور داده بود: «برای افتتاح و انعقاد مجلس محترم مقرر گردیده است که از فردا که روز جمعه بیست و ششم است... به‌جهت اجزاء مجلس عمارت بهارستان معین شود». ولی روز ۲۷ جمادی‌الثانی جلسه‌ی افتتاحیه‌ی مجلس در مدرسه‌ی نظام تشکیل شد و پیام‌هایی از طرف صدراعظم و نمایندگان ملت قرائت گردید و روز بعد صدراعظم به منزل طباطبایی رفت و با علما که حضور داشتند دیدار کرد و عصر همین روز (دوشنبه، ۲۸ جمادی‌الثانی) نیز علما به دربار رفتند و با مظفرالدین‌شاه دیدار و مراتب امتنان خود را از صدور دست‌خط مشروطیت اظهار داشتند.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- «خاطرات سیدمحمد طباطبایی»، مجله‌ی **خاطرات وحید**، شماره‌ی ۱ و ۲، سال ۱۳۵۰ و یادداشت‌های سیدمحمد طباطبایی، به‌کوشش حسن طباطبایی.
- ۲- خاطرات ناصرالملک، **خاطرات و اسناد وحید**، به‌کوشش س. وحیدنیا.
- ۳- **تاریخ بیداری ایرانیان**، ناظم‌الاسلام کرمانی، ص ۴۳۳.
- ۴- **خاطرات و خطرات**، مهدی‌قلی هدایت مخیرالسلطنه، ص ۱۴۱.